



اجرای طرح جدید نیاز به معلمان صبور دارد

گفت و گو با علیرضا رحیمی
مدیر کل دفتر دبستانی وزارت آموزش و پرورش

تنظیم: نورمحمد خادمی فرد

عکس: رضا بهرامی

اشاره

علیرضا رحیمی، فارغ التحصیل دوره‌ی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی است که از حدود چهار سال پیش تاکنون سمت مدیر کلی دفتر دبستانی وزارت آموزش و پرورش را بر عهده دارد. وی با ۲۷ سال سابقه‌ی فعالیت در آموزش و پرورش، پیش از این معاون آموزش عمومی استان قم بوده است. با رحیمی درباره‌ی طرح هم‌سوسازی برنامه‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی به دلیل ارتباطی که دفتر دبستانی وزارت آموزش و پرورش با فرآیند اجرا دارد، گفت و گوی مبسوطی کرده‌ایم که چکیده‌ای از آن را در پی می‌آوریم. این گفت و گو توسط مرتضی مجدفر، سردبیر مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی و در روزهای پایانی مرداد ماه ۱۳۹۰ انجام شده است.

□ سوالات ما بیشتر درباره‌ی طرح هم‌سوسازی پایه‌ی اول ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی است. اجرای این طرح، کار بسیار بزرگی است. حدود ۷۰ هزار معلم پایه‌ی اول سراسر کشور باید با این طرح آشنا شوند. آیا دفتر آموزش ابتدایی، آمادگی لازم را برای این تغییرات دارد؟ چه تمهیداتی اندیشیده‌اید و دفتر آموزش ابتدایی در کنار سایر فعالیت‌هایی که وزارتخانه در این حوزه انجام می‌دهد، به طور مشخص در حال انجام چه کارهایی است؟

به نظر من دوره‌ی آموزش ابتدایی امروز، مرکز و کانون تحولات بنیادین آموزش و پرورش به حساب می‌آید. بالطبع این امر بسیار بزرگ و مهمی که در کشور رقم می‌خورد، بدون هم‌آهنگی و همراهی همه‌ی بخش‌ها به نتیجه نخواهد رسید. حوزه‌ی آموزش ابتدایی به عنوان متولی این بخش، در استقرار طرح تحول بنیادین، نقش بسیار حساسی را بر عهده دارد. ما به طور مشخص از ابتدای شروع این طرح، گام به گام

با بخش‌های دیگر تلاش کرده‌ایم که وظیفه‌ی خود را به نحو مطلوب انجام دهیم. در حال حاضر، می‌توانم ادعا کنم با توجه به فرصتی که در اختیار داشتیم، آمادگی کامل برای اجرای این طرح را داریم. در یک فرصت خیلی محدود، تکلیف نهایی برای بخش‌های گوناگون مشخص شد و همین‌طور مقرر شد تا برنامه‌ی هم‌سوسازی در محتوای آموزشی دوره‌ی ابتدایی و برنامه‌ی درسی ملی به صورت سراسری اجرا شود و استقرار پیدا کند. با این حال، همه‌ی عوامل استانی کشور آمادگی روحی و فکری برای این کار را دارند و مقدمات را فراهم کرده‌اند. درباره‌ی مدرسانی که در کل کشور آموزش دیده‌اند، دفتر آموزش ابتدایی به طور خاص نقش اصلی را در شناسایی و معرفی آن‌ها به آموزش‌های ضمن خدمت داشته است و پس از بازگشت این افراد نیز به صورت مرتب با استان‌ها در ارتباط هستیم.

یکی از دغدغه‌هایی که برخی معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها دارند، بحث آموزش معلمان و ابزارهای لازم برای آموزش آن‌هاست. علاوه بر دوره‌ای که وزارتخانه برای تأمین مدرسان کشور برگزار



ویژه‌نامه‌ی هم‌سوسازی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی پایه‌ی اول ابتدایی با برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران

هم‌سوا تحول



کرده است، مجدداً کارگاه‌های آموزشی در سطح استان‌ها برای ایجاد هم‌آهنگی‌ها و هم‌پوشانی بیشتر بین نظریات مدرسان، برگزار و جلسات متعددی تشکیل می‌شود. امیدواریم با هم‌آهنگی بخش‌های دیگر وظیفه‌ی خود را به نحو مطلوب انجام دهیم.

□ بنابراین از ابتدای مهرماه همه‌ی معلمان با آمادگی کامل سر کلاس حضور می‌یابند. آیا در طی سال نیز آموزش‌های ضمن خدمت استمرار خواهد داشت؟

آموزش‌های ضمن خدمت پیش‌بینی شده برای معلمان پایه‌ی اول، شامل دو بخش است. بخشی از این آموزش‌ها باید قبل از شروع سال تحصیلی انجام شود که به صورت حضوری است. مقدمات این آموزش‌ها نیز فراهم شده است. در حال حاضر مشغول تهیه‌ی فهرست استان‌ها هستیم تا ببینیم در چه تاریخ و مکانی قرار است این آموزش‌ها ارائه شود.

قسمت دوم که بخش غیرحضوری آموزش‌های ضمن خدمت معلمان پایه‌ی اول است، در طول سال تحصیلی برگزار خواهد شد. پیش‌بینی کرده‌ایم که آموزش‌های بخش دوم با محوریت گروه‌های آموزشی انجام شود. به این صورت که معلمان نرم‌افزارها و منابع آموزشی را که در اختیارشان قرار می‌گیرد، چه در محیط کار و چه در محیط زندگی خود مطالعه کرده، در کارگاه‌های آموزشی که توسط گروه‌های آموزشی برگزار می‌شود، شرکت کنند. محتواها با حضور مدرسان کشوری مجدداً به بحث، بررسی و تحلیل گذاشته می‌شود تا هم‌آهنگی‌ها و هم‌فکری‌های ضروری در این فرآیند اتفاق بیفتد.

□ جدا از بحث‌های اجرایی، می‌خواهیم به بحث‌های فکری و نگرشی مربوط به این طرح هم بپردازیم. ما تاکنون برنامه‌ی درسی ملی نداشته‌ایم. در واقع، دلیل

این‌که فلان ماده‌ی درسی چند ساعت باشد، به چه مباحثی بپردازد یا چه حوزه‌هایی از یادگیری را تحت پوشش قرار دهد، بیشتر برخاسته از ذهن مؤلفان و برنامه‌ریزان بوده است. یعنی مؤلف یک کتاب درسی، یا به موضوعی بیشتر می‌پرداخت و یا محور و حوزه‌ای را فراموش می‌کرد و ملاحظه می‌کردیم در یک مقطع زمانی که کتاب‌های درسی تغییر می‌یافت، برخی از محورها مغفول می‌ماند و بعضی از اهداف فراموش می‌شد. انتظار می‌رود با تدوین، تصویب و نهایی شدن تدریجی آن، این مفاهیم جایگاه خود را پیدا کنند. نکته‌ی مهم این است که الان مراحل عملیاتی و اجرایی شدن برنامه‌ی درسی ملی، یعنی هم‌سوسازی، از پایه‌ی اول ابتدایی آغاز شده است. در واقع صرفاً تولید محتوای جدید بر مبنای برنامه‌ی درسی در دستور کار نیست، بلکه هم‌سوسازی

□ یکی از مباحث طرح شده در جلسه‌ای که با گروه‌های درسی «هنر» و «فارسی» داشتیم، تناسب‌سازی گروه‌های گوناگون و متناسب کردن محتواها با اهداف برنامه‌ی درسی ملی بود. دلیل‌هایی که این گروه‌ها بیان کردند، نشان می‌دهد که تا حدود زیادی توانسته‌اند این هدف را محقق کنند و این تناسب‌سازی را انجام دهند

محتواهای موجود و نیز تولید محتواهای جدید بر اساس مفاد برنامه‌ی درسی ملی است. به نظر شما در این حوزه، چه چالش‌هایی ممکن است وجود داشته باشد و چه تمهیداتی از هم‌اکنون می‌توانیم از طرف دفتر آموزش ابتدایی و سایر واحدهای وزارتخانه برای آن پیش‌بینی کنیم؟

به نظر می‌رسد علت این که این طرح عنوان هم‌سوسازی دارد، به اقداماتی برمی‌گردد که در طی سال‌های گذشته انجام شده است. با دغدغه‌هایی که وجود داشته، تلاش شده است تا حدودی به این سمت و سو حرکت کنیم...

□ **بله، درست است! طرح‌هایی مانند دو نوبته شدن امتحانات، اهمیت دادن به پژوهش‌های دانش‌آموزی و اجرای ارزش‌یابی توصیفی، بسته‌های برنامه‌ی درسی ملی را فراهم کرده‌اند.**

تقریباً می‌توان گفت طی سال‌های اخیر، تغییرات محتوایی متناسب با اهداف دوره‌ها در دوره‌ی ابتدایی رخ داده است. به گونه‌ای که در ده سال اخیر تمامی کتاب‌های درسی این دوره به جز ریاضیات تغییر یافته است که آن هم اکنون در طرح هم‌سوسازی به طور ویژه‌ای تحت توجه قرار گرفته و جدیدالتألیف است. یکی از مباحث طرح شده در جلسه‌ای که با گروه‌های درسی «هنر» و «فارسی» داشتیم، تناسب‌سازی گروه‌های گوناگون و متناسب کردن محتواها با اهداف برنامه‌ی درسی ملی بود. دلیل‌هایی که این گروه‌ها بیان کردند، نشان می‌دهد که تا حدود زیادی توانسته‌اند این هدف را محقق کنند و این تناسب‌سازی را انجام دهند.

با این حال، نکته و چالش اصلی ما در اجرای طرح این است که چون این برنامه، نگرشی است و صرفاً اجرایی و محدود به تغییر یک محتوا نیست، لذا باید تفکر معلم به این سمت و سو حرکت کند و نگرش

معلم به خود، کلاس، کتاب و دانش‌آموز باید دچار یک دگرگونی نسبتاً قابل توجهی شود. به همین خاطر اگر این تغییر نگرش اتفاق بیفتد، بقیه‌ی امور به روال خود پیش خواهد رفت و اگر کمتر رخ دهد یا بنا به نارسایی‌هایی که وجود دارد از جمله ناتوانی افرادی که قرار است معلمان را توجیه کنند، عدم ارسال به موقع بسته‌های آموزشی که باید در اختیار معلم قرار گیرند تا مطالعه کنند، سؤالات و ابهاماتی که در ذهن معلمان ایجاد می‌شود و باید به موقع پاسخ داده شوند، این تغییر نگرش صورت نگیرد؛ ممکن است یکی از چالش‌های جدید برنامه‌ی درسی ملی و مواد جدید هم‌سوسازی شده با برنامه‌ی درسی ملی باشد. ما ضمن درک این چالش که از ابتدا هم نگران آن بودیم، پیشنهاد کردیم که این طرح به صورت نمونه‌ای اجرا شود. وقتی وزارتخانه خواست که این طرح به صورت کشوری اجرا شود، بالطبع همه‌ی بخش‌ها و به‌ویژه دفتر آموزش ابتدایی تلاش کردیم با ارتباطاتی که می‌توانیم به صورت حضوری، نیمه‌حضوری و غیرحضوری با معلمان و کارشناسان حوزه‌های گوناگون برقرار کنیم، این تغییر نگاه روی دهد. این یکی از چالش‌های جدی است که حساسیت کل وزارتخانه را می‌طلبد و ضروری است شرایط لازم برای این رخداد عظیم فراهم شود.

□ **برای معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها و رییس گروه‌های آموزش ابتدایی، به غیر از برنامه‌های متمرکزی که وجود داشت، برنامه‌های آموزشی دیگری هم پیش‌بینی شده است؟**

ما در ایام تابستان برای معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها دو جلسه و برای برخی از معاونان مناطق نیز که حدود ۲۰۰ نفر بودند، یک جلسه برگزار کردیم. معاونان هم جلسه‌ای با رییس گروه‌های ابتدایی، رییس گروه‌های تکنولوژی آموزشی و گروه ابتدایی داشتند. ما از روز اول نگران سطوحی غیر از معلمان هم بوده‌ایم. خوش‌بختانه اخیراً طی



موافقتی که صورت گرفت، حدود ۱۶ ساعت آموزش ضمن خدمت برای مدیران و کارشناسان اجرایی در سطح مناطق در نظر گرفته شد. این اقدام می‌تواند حرکت خوبی در راستای اجرای این طرح باشد، ضمن این که ما به دنبال تعریف آموزش‌های ضمن خدمت برای سطوح بالاتر، مثل معاونان آموزش ابتدایی استان‌ها نیز هستیم که محقق شود.

□ اجرای سراسری این طرح به خاطر گسترده بودن، ممکن است دارای چالش‌هایی از جمله مخالفت اولیا باشد، که به نظر می‌رسد ارتباط بخش‌های دیگر وزارتخانه را هم ضروری کند. ما در اجرای ارزش‌یابی توصیفی هم شاهد این مسئله بودیم که مدارسی که به توجیه اولیا نپرداختند، با مشکل مواجه شدند. آیا هم‌آهنگی‌هایی با انجمن اولیا و مربیان صورت گرفته است تا آن‌ها هم این مقوله را به طور جدی آغاز کنند؟

این موضوع یکی از مباحث جدی جلساتی است که در سطح وزارتخانه تشکیل شده است. در حال حاضر، هر بخش برای خود وظایفی دارد. از جمله انجمن اولیا و مربیان در این زمینه مسئولیت توجیه اولیا و هم‌چنین برگزاری نشست‌های توجیهی برای مدرسان آموزش خانواده را عهده‌دار است. مصوب شده است تا انجمن اولیا و مربیان در سرفصل‌های آموزشی مدرسان خود، برنامه‌ی درسی ملی را بگنجانند و آن‌ها با برنامه‌ی درسی ملی و اهداف آن آشنا شوند و به استقرار آن کمک کنند و در آموزش‌های خانواده جزو سرفصل‌های خود قرار دهند. با این حال دفتر آموزش ابتدایی هم تلاش می‌کند بعد از شروع سال تحصیلی، اقدامات مقتضی را انجام دهد. حدود دو سال است که روندی مشابه این را پی‌گیری می‌کنیم، یعنی در استقرار ارزش‌یابی توصیفی اولین گامی که بعد از شروع سال تحصیلی در مدارس اجرا می‌کنیم این است که معلمان اولیای دانش‌آموزان را به مدرسه دعوت می‌کنند؛ زیرا آن‌ها نزدیک‌ترین افراد به اولیا هستند. آن‌ها راجع به اهداف و شیوه‌های ارزش‌یابی توصیفی جلساتی را با اولیا برگزار می‌کنند. برنامه‌ی دیگری که اجرا شد و همین روش را دنبال کرد، برنامه‌ی ارتقای آموزش «قرآن» در پایه‌ی سوم بود که حتی ما برای تک‌تک اولیا در سطح کشور با همکاری معاونت پرورشی پرورشورهای را چاپ و ارسال کردیم. در زمینه‌ی هم‌سوسازی مواد درسی پایه‌ی اول نیز همین اتفاق باید رخ دهد. یعنی پس از آغاز سال تحصیلی تلاش می‌کنیم که مدیران مدارس که دوره‌ی آموزشی را طی کرده‌اند، بتوانند در جلسات آموزش خانواده اطلاعات لازم را در اختیار اولیا قرار دهند و هم‌آهنگی‌های لازم بین خانواده و مدرسه را به عمل آورند.

□ آیا از پتانسیل رسانه‌ی ملی و صدا و سیما برای اجرای این طرح استفاده شده است؟

تاکنون خیلی چشم‌گیر نبوده است. فقط در حد اخبار بوده است که

از این به بعد باید به آن توجه شود.

□ با اجرای برنامه‌ی درسی ملی و ورود کتاب‌های جدید التالیف به پایه‌ی اول ابتدایی از مهرماه امسال، فکر می‌کنید ارزش‌یابی توصیفی قوت بیشتری بگیرد؟ و چه جایگاهی برای آن متصور هستید، به‌ویژه آموزش قرآن که اساساً باید به صورت توصیفی مطلق ارائه شود؟

در درس آموزش قرآن و «هدیه‌های آسمانی» سال‌هاست که ارزش‌یابی به صورت توصیفی انجام می‌شود. با ورود کتاب‌های جدید به دوره‌ی ابتدایی متناسب با برنامه‌ی درسی ملی، ارزش‌یابی توصیفی به طور مطلق تقویت می‌شود. زیرا شیوه‌های به کار گرفته شده در کتاب‌های جدید به گونه‌ای است که ما با روش‌های منسوخ گذشته نمی‌توانیم کارمان را پیش ببریم. قرار است جلسه‌ای با حضور گروه‌های درسی در وزارتخانه برگزار شود تا در تصمیمات گرفته‌شده بازنگری‌هایی صورت گیرد و ببینیم چه کارهایی برای آینده باید انجام داد.

طی بررسی‌هایی که روی کتاب ریاضیات جدید انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که بهترین فرصت برای تقویت نظام‌های جدید ارزش‌یابی در فرآیند تعلیم و تربیت به وجود آمده است. با بستری که طی سال‌های اخیر فراهم شده است و خوش‌یختانه می‌توان گفت تمام معلمان پایه‌ی اول با این روش آشنا هستند، خیلی به آموزش کتاب جدید و ایجاد فعالیت‌هایی که برای استقرار اهداف برنامه‌ی جدید در کلاس نیاز است، کمک می‌شود. برنامه‌ی جدید به معنای واقعی کلمه باید ابعاد وجودی دانش‌آموزان را در نظر بگیرد. دیگر با آزمون‌های مداد-کاغذی و سؤالات دانش‌محور به نتیجه نخواهیم رسید. اگر معلمان حوصله‌ی کافی نداشته باشند و از نظام‌های معلم‌محوری دست نکشند و با روش‌های جدید کار خودشان را شروع نکنند، خودشان در کلاس دچار مشکلات جدی خواهند شد. لذا با توجه به شرایطی که فراهم شده است، فکر می‌کنم طرح جدید به توسعه‌ی ارزش‌یابی توصیفی کمک خواهد کرد، همان‌طور که ارزش‌یابی توصیفی در طی سالیان اخیر زمینه‌ی مناسبی را برای اجرای مواد درسی جدید فراهم کرده است.

□ دفتر آموزش ابتدایی، منابع مکتوب یا بخش‌نامه‌ها و اسنادی در ارتباط با ارزش‌یابی توصیفی آماده و به مدارس ارسال کرده است؟

تولید منابع به طور مستقل جزو وظایف ما نیست، ولی سال گذشته پنج جلد کتاب راجع به مباحث ارزش‌یابی توصیفی تألیف کردیم و در اختیار بخشی از استان‌ها، مناطق و مدارس قرار دادیم. با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دو جلد کتاب به صورت جداگانه برای کلاس‌های اول و دوم تدوین و تألیف شد. امسال هم قرار است برای پایه‌ی سوم چنین کتاب‌هایی تولید و در اختیار معلمان گذاشته شود. ما هم از طریق پایگاه اینترنتی دفتر آموزش

ابتدایی، مطالبی را منتشر می‌کنیم و در اختیار معلمان قرار می‌دهیم. از طریق کارگاه‌های آموزشی با محوریت ارزش‌یابی توصیفی که در سطح استان‌ها برگزار می‌شود و گردهم‌آیی‌هایی که صورت می‌گیرد، تلاش‌های زیادی نیز انجام می‌دهیم. ولی هنوز خلاء منابع علمی احساس می‌شود و فکر می‌کنم باید در این زمینه قدم‌های محکم‌تری برداشته شود. یکی دیگر از اقدامات انجام شده، استفاده از نتایج پژوهش‌هایی با موضوع ارزش‌یابی توصیفی است که طی سال‌های گذشته توسط دانشگاه‌ها و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش انجام شده‌اند. ما این پژوهش‌ها را جمع‌آوری کرده‌ایم و به عنوان منبع اصلی در اختیار مدارس قرار خواهیم داد.

□ با اجرای طرح هم‌سوسازی و ورود کتاب‌های جدید به پایه‌ی اول ابتدایی و به تدریج پایه‌های بالاتر، احتمالاً زمان

طول هفته فقط یک ساعت به این درس اختصاص داشت که ما را در رسیدن به اهداف با مشکل مواجه می‌کرد. لذا پس از بررسی، پیشنهادی نیز به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه کردیم که خوش‌بختانه یک جلسه‌ی درسی به ساعت آموزش در دوره‌ی ابتدایی اضافه شد. درباره‌ی سایر درس‌ها هم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شورای عالی آموزش و پرورش، معاونت ابتدایی و دفتر آموزش ابتدایی مباحث گسترده و اما پراکنده‌ای را طرح کرده‌اند که هنوز به صورت یک پیشنهاد مشخص که برای تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش ارسال شود، در نیامده است.

□ یکی از مباحث جدید، موضوع حوزه‌های یادگیری است. چون این طرح حالت تفکری دارد، یکی از نگرانی‌ها این است که آموزگاران مفاهیم جدید را به خوبی درک نکنند. به عنوان مثال در برنامه‌ی درسی جدید مباحثی هم چون «حکمت و تفکر»، «آداب و مهارت‌های زندگی» و «کار و فناوری» مطرح می‌شوند. حوزه‌ی کار و فناوری تا حدودی ملموس‌تر است. آداب و مهارت‌های زندگی کمی انتزاعی‌تر می‌شود، ولی هنگامی که به حوزه‌ی حکمت و تفکر می‌رسیم، خیلی سخت‌تر قابل فهم است. به نظر می‌رسد که در زمینه‌ی حوزه‌های یادگیری جدید بایستی با معلمان کار زیادی صورت دهیم. شما نه به عنوان یک مسئول اجرایی، بلکه به عنوان یک صاحب‌نظر که فعالیت‌های قرآنی هم داشته‌اید، نمود مفاهیم جدید مثل حکمت و تفکر در کتاب جدید آموزش قرآن را چگونه ارزش‌یابی می‌کنید و آیا این مفهوم خودش

را در کتاب جدید قرآن نشان داده است؟

تصمیمات جدید همیشه مبتنی بر کارهای گذشته و آینده‌نگری‌های جدید اتخاذ می‌شوند، یعنی وضع موجود چیست؟ وضع مطلوب کدام است و برای حرکت از وضع موجود به مطلوب چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

موضوع حوزه‌های یادگیری که در برنامه‌ی درسی ملی مطرح شده است و این که کتاب‌های درسی باید به این سمت‌وسو حرکت کنند، امروز به یک نیاز عمومی تبدیل شده است. این طور نیست که فکر کنیم فقط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی یا برنامه‌ی درسی ملی به این فکر افتاده است. از نهادهای اجتماعی گرفته تا سطوح گوناگون جامعه خواهان چنین تغییراتی هستند. این نقطه‌ی قوتی است تا این حوزه‌ها بتوانند جایگاه و موقعیت خود را پیدا کنند. اقداماتی که در سال‌های گذشته انجام شده است، به گونه‌ای زمینه‌ساز

مصوب مواد درسی شورای عالی آموزش و پرورش هم باید دچار تغییراتی شود. البته می‌توان در این زمینه موضوعات دیگری از جمله تعطیلی مدارس در روزهای پنج‌شنبه را نیز مطرح کرد. آیا در این زمینه، چه توسط شما و چه بخش‌های دیگر وزارتخانه، کار مطالعاتی و آماده‌سازی طرح و برنامه‌ای برای تغییر ساعات مواد درسی که در شورای عالی مورد بحث و بررسی قرار گیرد، انجام شده است؟

با توجه به پیشنهادی که برای تغییر ساعات آموزش درس قرآن در دوره‌ی ابتدایی ارائه کردیم، در رابطه با جدول مواد درسی مطالعات محدودی توسط دفتر آموزش ابتدایی انجام شده است. نظر به رویکردهای جدید که بر شکوفایی فطرت یا رویکرد قرآنی مبتنی است، ساعت آموزش قرآن نسبت به سایر مواد ضعیف‌تر بود و در



□ مرتضی مجدفر: با خانم آموزگاری که جزو معلمان قدیمی بود و سال‌ها او را ندیده بودم، پس از حدود ۲۵ سال روبه‌رو شدم. او طی این سال‌ها رشد کرده، تحصیلات عالی را گذارنده و بازنشسته هم شده بود. او از جمله معلمانی بود که در تغییرات سال‌های اخیر مثل تغییر کتاب‌های «علوم»، «بخوانیم- بنویسیم»، «هدیه‌های آسمانی»، امتحانات دونوبته و سایر اقداماتی که ما آن‌ها را اقدامات مثبت وزارت خانه می‌نامیم، حضور داشته و آن‌ها را تجربه کرده بود. به او گفتم شما معلمان چگونه با اتفاقات مثبت وزارت خانه برخورد می‌کنید؟ او گفت: «ما معلمان سه دسته‌ایم؛ دسته‌ی اول هر چه به آن‌ها بگوئید، قبول می‌کنند و با نگاه مثبت سریع با شما همراه می‌شوند. دسته‌ی دوم شروع به مخالفت با طرح و برنامه‌ها می‌کنند و می‌گویند این قبیل تغییرات متعلق به سایر کشورهاست و حرف‌های استادان دانشگاه است، به درد ما نمی‌خورد، ما در شورای معلمان؛ گروه‌های آموزشی و... مخالفت خود را ابراز می‌کنیم و به حرف شما گوش نخواهیم کرد. این خانم می‌گفت دسته‌ی اول حدود ۱۰ درصد و دسته‌ی دوم هم همین مقدار هستند. ۸۰ درصد باقی مانده به شما می‌گویند طرح و برنامه‌های شما عالی است ولی پس از رفتن به کلاس کار خودشان را دنبال می‌کنند و روال سابق را پیش می‌گیرند.»

معلم قدیمی می‌گفت: «اگر می‌خواهید ما معلمان را اصلاح و با خودتان همراه کنید، به ۱۰ درصد اول و دوم کاری نداشته باشید. بلکه روی ۸۰ درصد دیگر کار کنید.»

سؤال من این است که فکر می‌کنید با اجرای طرح هم‌سوسازی، افرادی از این دسته‌ی سوم داشته باشید یا خیر؟ و اگر چنین افرادی وجود داشته باشند، چگونه باید با آن‌ها رفتار کرد؟

● علیرضا رحیمی: قطعاً افرادی از دسته‌ی سوم خواهیم داشت. ولی محیط فرق می‌کند. با توجه به شناختی که از معلمان کشور دارم و تجربیات عینی که در مدارس با آن‌ها روبه‌رو شده‌ام و همچنین تجربه‌های کاری‌ام در ستاد و در ارتباط با معلمان، می‌خواهم جای این سه دسته را عوض کنم و بگویم که دسته‌ی سوم حداکثر ۳۰ درصد خواهند بود. منتها ما مسئولیت داریم که از کنار این افراد به راحتی گذر نکنیم. علت این که دسته‌ای اظهار می‌کنند که برنامه‌ی جدید عالی است، اما همان روال سابق را دنبال می‌کنند، ناشی از عدم توجه و اقبال کردن آن‌ها در رابطه با ایهاماتی مثل: «چرا چنین تصمیمی گرفته‌ایم، چرا چنین روشی را ارائه کرده‌ایم، چرا محتوا را تغییر داده‌ایم؟» است. اگر این دسته اقبال شوند که کاری مطلوب است، دنبال آن خواهند رفت. لذا اگر ما تلاش کنیم و با شیوه‌های درست، ارتباط مناسب و منطقی و به موقع، بتوانیم پیام خودمان را به آن‌ها منتقل کنیم؛ درصد قابل توجهی از این ۳۰ درصد را هم با خود همراه خواهیم کرد. درصد بسیار پایینی هم وجود دارند که ضرب‌المثل مرغ یک پا دارد را دنبال می‌کنند و همواره مخالفت می‌ورزند.

ابتدایی اجرا می‌شود، در عملکرد دانش‌آموزان و تعمیق آموخته‌های آن‌ها بسیار مؤثر بوده است.

با توجه به زمینه‌های فراهم‌شده، اگر به خوبی از این طرح مثلاً در حوزه‌ی حکمت و تفکر پشتیبانی کنیم، موفق خواهیم شد. یکی از موضوعات در این ارتباط تجدیدنظر اساسی در جدول مواد درسی است. اگر تا حدودی حصارهایی را که اطراف کلاس، مدرسه و معلم کشیده‌ایم، منعطف کنیم، به معلم و دانش‌آموز قدرت مانور بدهیم و به دانش‌آموزان اجازه دهیم مطابق فطرت خودشان حرکت کنند، موفق خواهیم بود؛ زیرا این مباحث به صورت طبیعی و تکوینی در وجود انسان‌ها قرار دارند. ما فقط باید اجازه دهیم که این زمینه‌ها رشد کنند و از وجود انسان سربرآورند. به نظر من در زمینه‌ی حوزه‌های جدید

این برنامه بوده و نشان داده است که معلمان در درجه‌ی اول به دلیل غفلت برنامه‌ریزان از حوزه‌های جدید یادگیری دور افتاده‌اند. ولی در سالیان اخیر با برخی از اقدامات نشان داده‌اند که بدنه‌ی آموزش و پرورش با چنین اقدامات جدیدی موافق است. به عنوان مثال ما در سال جاری برای اولین بار در مدارس ابتدایی برنامه‌ی پروژه‌های علمی دانش‌آموزی تحت عنوان جشنواره‌ی **جابرین حیان** را اجرا کردیم که از معلم گرفته تا مدیر مدرسه، مسئولان مناطق و استان‌ها و اولیا به خوبی از آن استقبال کردند. حتی برخی اولیا حاضر بودند چند شبانه‌روز در منزل حضور نداشته باشند و به فرزند خود در این زمینه کمک کنند تا رشد و پیشرفت کند. طبق پژوهش‌هایی که انجام داده‌ایم، آموزش آداب و مهارت‌های زندگی اسلامی که در دوره‌ی

یادگیری خیلی مشکل نداریم و اگر با نقطه‌ضعفی مواجه شویم، باید بدانیم که از ناحیه‌ی پشتیبانی است.

□ **من هم با نظر شما موافقم. یکی از بحث‌های دیگری که در برنامه‌ی درسی جدید پیش‌بینی شده است، بازدیدهای بیرون از مدرسه است. من نگرانم که در اجرای چنین برنامه‌ای با حصارهای اخذ مجوز از اداره، نظرخواهی از همه‌ی اولیا و این که اگر چند نفر از اولیا با این برنامه مخالف بودند، از آن صرف‌نظر کنیم، مواجه شویم. با توجه به چنین نگرانی‌های اجرایی، به نظر می‌رسد که بخش پشتیبانی و توجیه کردن حوزه‌های**

دوره‌ی متوسطه کشیده شد، عدم همکاری سایر بخش‌های درگیر با آموزش و پرورش بود. پس باید همه‌ی زمینه‌ها فراهم شود و سایر بخش‌ها هم مسئولیت خود را در مقابل آموزش و پرورش انجام دهند تا این طرح با موفقیت انجام شود. با احساس نیازی که از این به بعد مدارس خواهند داشت، امیدواریم این قوانین و مقررات تا حدودی منصف‌تر شوند.

□ **تقریباً نیمی از آموزگاران پایه‌ی اول کشور را که حدود سی و پنج هزار نفرند، معلمان کلاس‌های چندپایه و مناطق عشایری تشکیل می‌دهند. نگاه ما به معلمان چندپایه در اجرای این طرح، دو وجهی است. یکی نگاه**

□ **مرتضی مجدفر: فرض کنید بیستم شهر یورماه است و شما آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی هستید که بنا به دلایلی تاکنون از برنامه‌ی درسی جدید و از تغییرات مورد نظر ناخبر نشده‌اید. فکر می‌کنید چنین آموزگاری چه احساسی دارد و یک معلم معقول وقتی در این زمان از چنین مسئله‌ای ناخبر می‌شود، چه کارهایی باید انجام دهد؟**

● **علیرضا رحیمی: بهترین شیوه، پیدا کردن هم‌زبانی است که مراحل مدنظر را گذرانده باشد و با زبان خودشان و در محیطی آرام، حرف‌هایی که بایست می‌شنید، از آن شخص مطلع بشنود و بپرسد. شخص مطلع هم به صورت عینی و عملیاتی این آموزگار را راهنمایی کند. چون ما فرصت‌هایی را در دو بخش آموزش‌های حضوری و غیرحضوری فراهم کرده‌ایم و در اختیار این معلم قرار داده شده است، او نیز منابع را مطالعه و با آمادگی کامل در کارگاه‌های آموزشی که گروه‌ها برگزار می‌کنند، شرکت کند. قبل از شروع این کارگاه‌ها هم هر نوع سؤالی که دارد، یادداشت و در کارگاه بپرسد. باید همواره امیدوار بود و با خوش‌بینی به ماجرا نگاه کرد.**

مدیریتی بایستی پررنگ‌تر صورت گیرد و فقط از معلمان انتظار اجرای چنین کاری را نداشته باشیم. آیا با ما هم نظرید؟

دستورالعمل‌هایی که در این زمینه وجود داشت، تا حدودی رقیق شده است. با راه‌اندازی مجتمع‌های آموزشی، تقریباً بیشتر اختیارات این چنینی به مجتمع‌ها واگذار شده است. از آن جایی که مجتمع به میدان عمل نزدیک‌تر است، قطعاً شرایط اجرای چنین اقداماتی را بیشتر فراهم می‌کند. با این حال، باید در حوزه‌های اداری و قوانین و مقررات شرایط را آسان‌تر کنیم. مثلاً روز اولی که دانش‌آموز برای ثبت‌نام به مدرسه می‌آید، یک رضایت کلی از اولیا گرفته شود، مبنی بر این که آن‌ها موافقت کنند که طبق مصلحت‌اندیشی و مسئولیت مدرسه، فرزندشان در تمامی فعالیت‌های داخل و خارج از مدرسه شرکت کند. این کار می‌تواند فضای مناسبی برای اجرای چنین برنامه‌هایی را فراهم کند. این یک طرف قضیه است. طرف دیگر به همکاری سایر بخش‌ها برمی‌گردد. یکی از دلایل شکست اجرای طرح نظام جدید آموزشی که ابتدا قرار بود از دوره‌ی ابتدایی شروع شود و بعدها به دلایلی به

فرصتی است که آن‌ها به واسطه‌ی این که چندپایه‌اند، اگر یک بار توجیه شوند، در پنج سال آینده هم برای آموزش و پرورش سودمند خواهند بود. و نگاه تهدیدی این که اگر امسال این معلمان را از دست بدهیم و نتوانیم آن‌ها را توجیه کنیم، در سال‌های بعد که این طرح برای سایر پایه‌ها قرار است به اجرا گذاشته شود، آن‌ها از دست‌رفته تلقی خواهند شد. شما در یکی از جلساتی که حضور داشتید، با وجود این که همکاران اصرار داشتند اطلاعات لازم را در قالب سی‌دی به این قبیل معلمان ارائه دهند، گفتید که معلم عشایری امکان دسترسی به رایانه ندارد و باید همان متن را به صورت چاپ شده‌ی کاغذی در اختیار این معلمان قرار دهیم. ما هم در این زمینه با شما موافقیم. این تعداد معلم چندپایه به ندرت رایانه‌ی شخصی دارند. سؤال این است که چه برنامه‌ی ویژه‌ای برای معلمان چندپایه پیش‌بینی کرده‌اید و یا می‌توانید پیش‌بینی کنید؟

در بحث توسعه‌ی فناوری‌های جدید گاهی به همکاران می‌گویم که منطقی فکر کنیم و همیشه از مناطق پرخوردار به مناطق غیرپرخوردار حرکت نکنیم. استدلال من این است که اگر یک معلم چندپایه، امروز با فناوری‌های جدید آشنا شد و حداقل امکانات را در اختیار او قرار دادیم تا بتواند از این فناوری‌ها استفاده کند، پنج سال دیگر همین معلم وارد مناطق شهری و پرجمعیت خواهد شد و مهارت کسب‌شده را با خود خواهد آورد. ولی اگر ما در مرحله‌ی اول، این امکانات را در مراکز استان‌ها و بهترین مدارس شهری قرار دهیم، ضمن این که اجرای اولیه در شرایط طبیعی نیست، معلم مورد نظر نیز همین جا خواهد ماند تا بازنشسته شود. یعنی یک قدم جلوتر نخواهد رفت و با هیچ معلم دیگری که فاقد این قبیل مهارت‌هاست، تعامل نخواهد داشت. لذا در سال‌های اخیر همیشه روی این نکته حساس بوده‌ایم. هم‌اکنون در حق معلمان چندپایه اجحاف می‌شود. ما محتوای آموزشی به تعداد چهارهزار جلسه را تولید می‌کنیم و به معلم می‌گوییم در هشتصد جلسه آن را ارائه کند. هیچ استاد دانشگاهی هم زیر بار چنین برنامه‌ای نخواهد رفت. ما با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به این ضرورت رسیده‌ایم که تألیف کتاب چندپایه الزامی انکارناپذیر در وضعیت کنونی است، ولی تاحال چنین کتابی تولید نشده است. با این همه، بنا به تکلیفی که داشتیم، ساکت ننشستیم. دو سال پیش همایشی در سطح کشور با عنوان «مدیران بزرگ، مدارس کوچک» برگزار کردیم. این همایش، موجی در کشور ایجاد کرد، به‌صورتی که بعضی از مسئولان اظهار می‌کردند که ما تاکنون به فکر این قبیل معلمان نبوده‌ایم. خاطره‌ی هم تلخ و هم شیرینی را در این زمین بیان می‌کنم. به دلیل گستردگی استان سیستان و بلوچستان، این همایش در چند قطب برگزار می‌شد. در یکی از این همایش‌ها که حضور داشتیم، بخشی از این نشست به

استان آن را امضا کرده و اسمم بالای آن نوشته شده بود، اول گفتم احتمالاً اشتباهی رخ داده است، ولی هنگامی که از صحت نام خود در بالای دعوت‌نامه مطمئن شدم؛ احساس کردم که در لابه‌لای کوه‌ها بال درمی‌آورم و پرواز می‌کنم که بالاخره به ما هم توجه شده است.» پس از برگزاری این همایش در سال اول، استان‌ها سعی کردند در قالب مناطق، چنین همایشی را برگزار کنند. طبق تفاهم‌نامه‌هایی که با استان‌ها داشته‌ایم، اولویت کارگاه‌های آموزشی را به کلاس‌های چندپایه، مناطق محروم و کم‌جمعیت اختصاص داده‌ایم. ضمن این که می‌توان اقدامات دیگری هم انجام داد. مثلاً محتوای آموزشی کلاس‌های چندپایه باید به صورت مکتوب در اختیار معلمان این کلاس‌ها قرار گیرد، زیرا هنوز بسیاری از مدارس چندپایه‌ی ما امکانات لازم را ندارند. یکی دیگر از فرصت‌ها، مجتمع‌های آموزشی است. چون در مراکز این مجتمع‌ها حداقل امکانات فراهم شده است و از طرفی دیگر مدیر مجتمع، مسئولیت تشکیل جلسات هم‌فکری و کارگاه‌های آموزشی را بر عهده دارد و می‌تواند ابزار مناسبی برای همراهی بیشتر آن‌ها با خودمان باشد.

□ در پایان اگر نکته‌ی دیگری دارید، بیان کنید.

به موفقیت این برنامه خیلی امیدوارم به دلیل این که شروع این طرح از دوره‌ی ابتدایی است. معلمان دوره‌ی ابتدایی ما دل‌سوزترین، مقیدترین و باوفاترین نیروهای آموزش و پرورش هستند. به همین دلیل احساس تکلیف بهتری هم می‌کنند و کارشان را به نحو مطلوبی انجام می‌دهند.

از آموزگاران تقاضا دارم در دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی حضور فعالی داشته باشند و امسال بیشتر از گذشته گروه‌های آموزشی را کانون

□ از آموزگاران تقاضا دارم در دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی حضور فعالی داشته باشند و امسال بیشتر از گذشته گروه‌های آموزشی را کانون تعاملات خود قرار دهند □

تعاملات خود قرار دهند. همه‌ی ابهامات و سؤالاتی را که دارند از شبکه‌های تعریف شده از جمله پایگاه‌های خبری آموزش و پرورش، مجلات رشد و سایت رشد رفع کنند. دفتر آموزش ابتدایی هم به نوبه‌ی خود آماده است که ابهامات و سؤالات معلمان را به موقع برطرف و مشکلات آن‌ها را حل کند.

تشکیل کمیسیون‌ها تحت عناوینی مثل شیوه‌های تدریس و آخرین یافته‌ها درباره‌ی کلاس‌های چندپایه می‌پرداخت. در کمیسویی که در خدمت همکاران بودم، سؤال کردم آیا این همایش برای شما مفید بود یا خیر؟ یکی از معلمان گفت: «تنها می‌توانم بگویم که وقتی در میان کوه‌ها، دعوت‌نامه‌ی معلم را دیدم که برای اولین بار، مدیرکل